



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The basis of non-acceptance of the statute of limitations of the injured party's claim against the insurer in the compulsory insurance law approved in 2016

H. Afkar*, A. Khodabakhshi

Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received 23 November 2021

Revised 27 March 2022

Accepted 24 August 2022

Keywords:

Article 36 of the Insurance Law

Approved in 1316

Insurance

Insurance Claims

Time Limit

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The rule of passing time as one of the ways of regulating the number of lawsuits has received the attention of many legal systems. Iran's legal system, influenced by the famous Imami jurists and due to the necessity of conforming the regulations based on Sharia standards, has considered the rule of passage of time to be obsolete according to the theory of the Guardian Council. Ambiguity in the comprehensiveness of the Guardian Council's opinion has made the expression of views for the revalidation of the passage of time to be strengthened and its generalities accepted in specific lawsuits. Although the validity of time limit is generally considered acceptable in insurance claims under Article 36 of the Insurance Law adopted in 1316, but more than seventy years have passed since the enactment of this law and the creation of new conditions next to the topic expansion of the mechanism, requires the necessity for re-validation time limit in traffic accident insurance claims. The purpose of this research is to review the survival directions of the institution of passage of time in insurance claims and to analyze the reasons for not accepting passage of time based on the compulsory insurance law approved in 2016.

METHODS: The method used in this research is descriptive-analytical, which has explained and examined the reasons of the above problem by using library sources and reading and searching in books, articles and related theoretical topics.

FINDINGS: Although the removal of the statute of limitations for civil lawsuits from Iran's legal system, based on the theory of the Guardian Council, has been practically recognized, the arguments for the survival of the statute of limitations in some specific lawsuits, such as insurance lawsuits, are based on the general disregard of this institution and the current legal system has made it difficult. The current research proves that: acceptance of a two-year short period of time in insurance claims challenges the idea of protecting the victim and comprehensively guaranteeing the damages caused to him in the field of traffic accidents. Therefore, unconditional protection of the victim in compulsory liability insurance does not follow this field. The broader scope of compensation in insurance rights, compared to civil liability rights, has made it difficult to determine the time of payment of damages in insurance rights, despite the lack of limitation in civil liability rights. This issue violates the principle of complete compensation in insurance rights. Also, the direct recourse of the injured party to the insurer, in addition to the basis of the contract, is an independent and legal right, which is exclusive for a short period of time, against the requirements and protective conditions of the compulsory insurance law approved in 2016. In addition, the generality of Note 2 of Article 2 and the non-restriction of Article 4 of the Compulsory Insurance Law approved in 2016 also strengthen the idea of prohibiting the time limit for filing a lawsuit against the insurer.

CONCLUSION: The guarantee of compensation for traffic accident victims and the need to compensate all losses by means of insurance makes the short period of two years to file a lawsuit unreasonable. On the other hand, the legal bases follow the necessity of not accepting the time limit for insurance claims in the field of driving, and as the contractual time limit has been considered ineffective in this area, the two-year legal time limit cannot be supported. Compulsory insurance approved in 2016, which was established according to the interests of the society and to protect the victims of traffic accidents, the basis of the insurer's support over time, prohibits ways of compensating the vulnerability of the victim and establishes the basic and logical rights that establishes the correctness of this claim.

*Corresponding Author:

Email: hamidafkar@mail.um.ac.ir

Phone: +9851 36238154

ORCID: 0000-0003-0369-3896

DOI: [10.22056/ijir.2022.04.02](https://doi.org/10.22056/ijir.2022.04.02)





مقاله علمی

مبانی عدم پذیرش نهاد مرور زمان دعوای زیان دیده علیه بیمه‌گر در قانون اجباری ۱۳۹۵

حمید افکار*، عبدالله خدابخشی

گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ های مقاله:

تاریخ دریافت: ۲ آذر ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۰۷ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۰۲ شهریور ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

بیمه
دعوای ناشی از بیمه
ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶
مرور زمان

*نویسنده مسئول:

ایمیل: hamidafkar@mail.um.ac.ir

تلفن: ۹۸۵۱ ۳۲۳۸۱۵۴+

ORCID: 0000-0003-0369-3896

DOI: 10.22056/ijir.2022.04.02

چکیده:

پیشینه و اهداف: قاعده مرور زمان به عنوان یکی از راه‌های انتظام‌بخشی تعداد دعوای، مورد توجه بسیاری از نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. نظام حقوقی ایران به تأثی از نظر مشهور فقهای امامیه و به جهت لزوم ایتنای مقررات موضوعه بر موازین شرعی، قاعده مرور زمان را به موجب نظریه شورای نگهبان منسوخ تلقی نموده است. ابهام در جامعیت نظر شورای نگهبان باعث شده تا اظهارنظرها برای اعتباربخشی مجدد مرور زمان قوت گیرد و اساس وجود آن در دعوای خاص پذیرفته شود. اگرچه اعتبار مرور زمان به طور کلی در دعوای بیمه در پرتوی ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ قابل قبول دانسته شده است، لیکن گذشت بیش از هفتاد سال از زمان تصویب این قانون و ایجاد شرایط جدید در پرتوی گسترش ماشینیسیم، ضرورت اعتبارسنجی مجدد قاعده مرور زمان در دعوای بیمه حوزه حوادث ترافیکی را ایجاب می‌نماید. هدف این پژوهش بازخوانی جهات بقای نهاد مرور زمان در دعوای بیمه و واکاوی مبانی عدم پذیرش مرور زمان بر اساس قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ است.

روش‌شناسی: روش به کار رفته در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعه و جستجو در کتب، مقالات و مباحث نظری مربوطه به تشریح و تبیین دلایل مسئله فوق پرداخته است.

یافته‌ها: اگرچه حذف قاعده مرور زمان دعوای مدنی از نظام حقوقی ایران به موجب نظریه شورای نگهبان عملاً به رسمیت شناخته شده است، لیکن استدلال‌ها برای بقای مرور زمان در برخی دعوای خاص مانند دعوای بیمه، نادیده گرفتن کلی این نهاد را در نظام حقوقی دشوار کرده است. با این وجود، پژوهش جاری اثبات می‌نماید که پذیرش مرور زمان کوتاه دو ساله در دعوای بیمه، اندیشه حمایت از زیان دیده و تضمین همه‌جانبه خسارات وی را در حوزه حوادث ترافیکی به چالش می‌کشد و حمایت بدون قید و شرط از زیان دیده در بیمه مسئولیت اجباری این عرصه را به دنبال ندارد. گسترده‌تر بودن قلمروی جبران خسارت در حقوق بیمه نسبت به حقوق مسئولیت مدنی نیز مقید کردن زمان پرداخت خسارت در حقوق بیمه علی‌رغم عدم تقیید در حقوق مسئولیت مدنی را دشوار می‌نماید و ناقض اصل کمال جبران خسارت در حقوق بیمه است. همچنین رجوع مستقیم زیان دیده به بیمه‌گر علاوه بر مبنای قرارداد، حقی مستقل و قانونی است که منحصر کردن آن به مدتی کوتاه، خلاف الزامات و شروط حمایتی قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ است. علاوه بر این، عمومیت تبصره ۲ ماده ۲ و عدم تقیید ماده ۴ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ نیز تفکر ممنوعیت محدودیت زمانی طرح دعوا علیه بیمه‌گر را تقویت می‌نماید.

نتیجه‌گیری: تضمین جبران خسارت زیان دیدگان حوادث ترافیکی و لزوم جبران کلیه زیان‌ها به وسیله بیمه، باعث می‌شود تا زمان کوتاه دو ساله برای طرح دعوا منطقی نباشد. از سوی دیگر مبانی حقوقی ضرورت عدم پذیرش مرور زمان دعوای بیمه در حوزه تصادفات رانندگی را به دنبال دارد و همان‌طور که مرور زمان قراردادی در این عرصه بلائثر دانسته شده، مرور زمان قانونی دوساله نیز قابل حمایت نیست. قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ نیز که بنا به مصالح روز جامعه و برای حمایت از زیان دیدگان حوادث ترافیکی وضع گردیده، زمینه تسک بیمه‌گر به مرور زمان جهت رهایی از جبران خسارت زیان دیده را منع نموده و مبانی حقوقی و منطقی که بر درستی این رویکرد صحه می‌گذارند را تثبیت می‌نماید.

بیمه ۱۳۱۶ بر مبنای اهداف و نگرش قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ که خاص تصادفات رانندگی است، استنتاج خواهد شد. از حیث سبقه پژوهشی برای مرور زمان دعاوی بیمه در حوادث ترافیکی می‌توان به مقاله «تحلیلی بر ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶» و مقاله «اعتبار سنجی قاعده مرور زمان در بیمه‌های مربوط به وسایل نقلیه (با بررسی فقهی)» اشاره کرد. در مقاله اول، اعتبارسنجی مرور زمان دعاوی بیمه به طور کلی مورد سنجش قرار گرفته که زمان نگارش آن مقدم بر قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ است و از مبنای قانون اخیر برای ارزیابی مرور زمان در دعاوی بیمه حوزه حوادث ترافیکی استفاده نشده است. همچنین بخش اساسی پژوهش یاد شده به شناسایی مبدأ مرور زمان دعاوی بیمه حسب انواع مختلف قراردادهای بیمه پرداخته است که منصرف از موضوع تحقیق حاضر است. در مقاله دوم نیز در مبحث ماهیت و مبنای نظری به شناخت مفهوم مرور زمان، ماهیت بیمه‌های مسئولیت و مبنای فقهی اعتبار قاعده مرور زمان اشاره شده است و در مبحث دیگری نیز وضعیت حقوقی مرور زمان بیمه‌های مسئولیت ارزیابی شده است که در یک بند مرور زمان در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ مورد تحلیل قرار گرفته و در این بند، از سکوت قانون در بخش مرور زمان اماره حذف قاعده مرور زمان استنباط شده است. در هر دو مقاله اشاره شده مصالح منطقی و مبنای حقوقی و قانونی تعدیل قاعده مرور زمان دعاوی بیمه بر اساس قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ مسکوت مانده است.

با توجه به فقدان پیشینه پژوهشی کافی ضرورت دارد تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا امکان عدول از نهاد مرور زمان طرح دعوا در حوزه حوادث ترافیکی متصور است؟ اگرچه فرضیه ابتدایی پذیرش مطلق نهاد مرور زمان در کلیه دعاوی بیمه با ظاهر ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ سازگارتر است، لیکن گسترش ماشین‌آلات، افزایش تعداد حوادث حوزه ترافیکی و عواقب جبران‌ناپذیر این نوع خسارات، از قوت اولیه این فرضیه می‌کاهد و تبیین واقعیت‌های عملی، توجیهات حقوقی و مبنای قانونی، امکان عدول از مرور زمان دو ساله دعاوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر را تقویت می‌کند و توجه به متن و روح قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ نیز بر قابلیت گذر از نهاد مرور زمان در حوزه حوادث ترافیکی صحه می‌گذارد.

در راستای دستیابی به هدف پژوهش، ابتدا قابلیت جریان نهاد مرور زمان در دعاوی بیمه موضوع ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ ارزیابی می‌شود و سپس با توجه به خصیصه‌های حمایتی قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، ضرورت‌های منطقی و حقوقی تفکر عدم پذیرش نهاد مرور زمان در دعاوی بیمه حوزه حوادث ترافیکی به طور خاص تحلیل می‌گردد.

یکی از مسائل مهم برای رسیدن به نتیجه دلخواه در دادرسی، توجه به مهلت‌های قانونی طرح دعوا است. مسئله مرور زمان یکی از مباحث همواره توأم با اختلاف در نظام حقوقی ایران بوده است که به جهت در هم تنیده شدن قواعد فقهی با قواعد حقوقی، حصول اتفاق نظر بین حقوقدانان و فقها دشوار است. منطق حقوقی و اجتماعی ایجاب می‌نماید تا صاحب حق در مهلتی معقول و متعارف حمایت حاکمیت برای بازستاندن حق خود را بخواهد تا دعوا به حال خود رها نشده و ادله اثبات محو و کهنه نگردد. رعایت این قاعده برای انتظام‌بخشی روابط حقوقی و اجتماعی لازم است و به هم زدن این قاعده که از آن به عنوان مرور زمان طرح دعوا یاد می‌شود، توسط محکمه قابل حمایت نیست. قاعده مزبور در ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ نیز مطمح نظر مقنن بوده و بر اساس آن مرور زمان دعاوی بیمه دو سال از تاریخ وقوع حادثه منشأ دعوا اعلام شده است. در کنار این قاعده، حاکمیت و تقدم موازین اسلامی بر اطلاق و عموم تمام مقررات جریان دارد که باعث می‌شود تا هر گونه قاعده خلاف شرعی بی‌اثر گردد. با توجه به اینکه مرجع اصلی تشخیص انطباق مصوبات با موازین اسلامی فقهای شورای نگهبان می‌باشند (Khairollah et al., 2012) و اعتبار مرور زمان دعاوی با نظریات این شورا متزلزل گردیده، لازم است تا مرور در دعاوی بیمه به طور کلی و همچنین در دعاوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر در حوزه حوادث ترافیکی به طور خاص اعتبارسنجی گردد.

از یک سو، اعتبار مرور زمان دو ساله دعاوی ناشی از بیمه به جهت لزوم سامان‌دهی منابع بیمه‌ای و خروج موضوعی ماده ۳۶ قانون بیمه ۱۳۱۶ از چارچوب موضوعی نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان قابل حمایت به نظر می‌رسد و از سوی دیگر، رویکرد حمایتی خاص مقنن در عرصه حوادث ترافیکی، اندیشه تبعیت از محدودیت زمانی طرح دعوا برای مطالبه خسارت از بیمه‌گر را قابل تأمل می‌سازد و مبنای ویژه نظام جبران خسارت در عرصه حوادث ترافیکی، عدم پذیرش مرور زمان در این عرصه را تقویت می‌نماید. به عبارت دیگر، چنانچه قاعده مرور زمان دعاوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر بر مبنای ماده ۳۶ قانون بیمه قابل جریان باشد، با توجه به رویکرد تقنینی خاص در عرصه حوادث رانندگی و لزوم پای‌بندی به اصول جبران کامل خسارت، نظام جبران در این حوزه با چالش جدی مواجه خواهد شد. در مقام جمع‌بندی لازم است تا ابتدا قابلیت پذیرش مرور زمان در دعاوی بیمه بررسی و سپس با تبیین مبنای حقوقی و منطقی، امکان تعدیل مرور زمان دو ساله مندرج در ماده ۳۶ قانون بیمه در حوزه حوادث ترافیکی ارزیابی شود. همچنین تخصیص ماده ۳۶ قانون

مبانی نظری پژوهش

امکان پذیرش قاعده مرور زمان در دعاوی بیمه

نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان تحولی جدی در استناد به نهاد مرور زمان ایجاد کرده است که علاوه بر تبعیت مقنن از این نظر در وضع قواعد جدید، تسری آن به قواعد خاص نیز محل بحث و اختلاف است. در این بخش تأثیری مرور زمان دعاوی بیمه از نظریه شورای نگهبان به طور کلی مورد بررسی قرار می‌گیرد و قابلیت اطلاق قاعده بر نهاد مرور زمان ارزیابی می‌شود.

مخالفان مرور زمان

انسجام نظام قضایی مستلزم طرح منظم و به موقع دعاوست تا علاوه بر دستیابی راحت‌تر به ادله، از التهابات و اختلافات روز جامعه کاسته شود و انضباط اجتماعی برقرار گردد. در همین رابطه، قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ نیز قواعد مفصلی در رابطه با مرور زمان دعاوی ارائه کرده بود که وجود این نهاد را به عنوان یک قاعده تقویت می‌نمود. این مقررات با نظر شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان بی‌اعتبار شد. لیکن بقای اعتبار نهاد مرور زمان در قوانین خاص مانند قانون بیمه با اختلاف زیادی همراه شد.

استنباط وحدت مبنای مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی با سایر قوانین موجب می‌شود تا تسری نظریه شورای نگهبان به سایر مرور زمان‌های دعاوی خاص نیز میسر گردد و بر این اساس مشروعیت ماده ۳۶ قانون بیمه نیز در پرده ابهام قرار گیرد. به عبارت دیگر، اگرچه نظریه شورای نگهبان ضمن بررسی مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی ارائه شده است، لیکن نظریه ارائه شده توسط آن شورا، بیان از حذف قاعده‌ای دارد که عدم استماع دعاوی مطالبه حق را نامشروع می‌پندارد و نوع دعاوی خصوصیت خاصی برای مستثنا شدن از این نظریه ندارد. عدم مشروعیت مرور زمان در فقه اگرچه بیشتر در ضمن مبحث اسقاط حد بیان گردیده (Shahid Sani, 1998) لیکن عمومیت روایت «لا یبطل حق امری مسلم» از پیامبر اکرم (ص) و «الحق القدیم لا یبطله شیء» در ضمن خطبه امیرالمؤمنین در نهج البلاغه باعث گردیده که تسری عدم تأثیر مرور زمان در مطالبه حق مورد توجه بسیاری از فقها قرار گیرد (Allame Helli, 1992; Ganji Shafeei, 1983; Ibn Abi Al-Hadid, no date; Iravani, 2006). این اظهارنظرها موجب شده تا شورای نگهبان که مرجع مشروعیت‌سنج قوانین است، به تبعیت از نظر مشهور فقهای امامیه مبنی بر مغایرت مرور زمان با موازین شرعی محدودیت زمان برای مطالبه حق در دادگاه را برنتابد و کارکرد آن را خلاف شرع اعلام نماید تا سخن از ابطال قانون به میان آید. بر این اساس، مرور زمان دعاوی بیمه نیز از حکم شورای نگهبان مستثنا نبوده و بقای اعتبار آن پذیرفته نیست.

موافقان مرور زمان

دل ننگدن جامعه حقوقی از نهاد مرور زمان و قابلیت کاهش دعاوی محاکم از طریق این تأسیس باعث شد تا زمینه استدلال‌سازی برای اعتبار دادن مجدد به قاعده مرور زمان فراهم گردد. برخی بیان نموده‌اند که وقتی حقوق افراد برای مدت مدید معطل می‌ماند و موضوع حق برای مدت‌ها در اختیار و تصرف دیگری است، حکم عقل یا منطق آن است که حق را به همین دلیل ساقط و آن را به نفع متصرف برقرار بدانیم (Hatami and Zakeri, 2018). به همین جهت، مرور زمان دعوا مبنای منطقی دارد و مورد پذیرش اکثر قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی است. در این راستا، برای کاهش تأثیر نفوذ نظریه شورای نگهبان و با توجه به اینکه قاعده مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ که مربوط به پیش از انقلاب است، درج گردیده، برخی قابلیت ابطال قاعده مرور زمان توسط شورای نگهبان را با تردید همراه ساخته‌اند و پذیرش صلاحیت فقهای شورای نگهبان در نظارت شرعی بر قوانین پیش از تشکیل شورای نگهبان به جهت ایجاد خلأ در نظام تقنینی نقد شده است (Katuszian, 2004; Hashemi, 2021). برخی نیز بدون تعرض به امکان ابطال قوانین توسط شورای نگهبان، نسخ کلی مرور زمان را نقد کرده و با تفسیر مضیق نظر شورای نگهبان، مخالفت خود با تعمیم نسخ قاعده مرور زمان را اعلام نموده‌اند و نظریه شورا را صرفاً در چارچوب موضوعی خود یعنی مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸ دارای اعتبار می‌دانند (Eskini, 2017; Ghabooli Dor Afshan and Mohseni, 2012; Shams, 2019) که نتیجه آن هم عدم ذکر مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ بود.

از سوی دیگر، کتمان نمودن فایده اجتماعی نهاد مرور زمان و قابلیت کاهش بسیاری از دعاوی بدین طریق موجب می‌شود تا تفکر نسخ این قاعده به صرف یک نظریه دشوار باشد و چنین به نظر می‌رسد که با توجه به استقبال جامعه حقوقی از این قاعده و لزوم ایجاد نظم اجتماعی، فراموشی کلی این نهاد با قواعد حقوقی سازگار نیست. چنان که شورای نگهبان در نظریه تکمیلی ۳۵۰۶ مورخ ۱۳۷۱/۵/۱۱ از فراگیری و اطلاق نظریه اول خود کاسته است و بدون ارائه دلیلی اعلام نموده که «اطلاق نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان شامل دعاوی اشخاص حقیقی و یا حقوقی که در قوانین و مقررات کشورشان مرور زمان پذیرفته شده است نمی‌شود». بدین ترتیب عدم نسخ مرور زمان در رابطه با دعاوی ناشی از بیمه ارجح است و وجود مدت زمان متعارف برای طرح دعاوی که سبب انتظام‌بخشی منابع مالی شرکت‌های بیمه به جهت اطلاع از میزان دعاوی می‌شود، بر اساس قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ مفید است.

قلمرو استثنایی مرور زمان دعاوی مدنی در نظام حقوقی

علی‌رغم نقد صلاحیت شورای نگهبان در اعتبارسنجی قوانین قبل

بیمه‌ای یکسان است. دعوی جبران خسارت در نظام بیمه‌ای به معنای اخص شامل هر گونه ادعایی است که به طرفیت بیمه‌گر و به منظور جبران خسارت مطرح می‌شود، لیکن در مفهوم عام می‌توان آن را شامل هر گونه ادعایی دانست که موجب قابلیت استناد نتیجه این ادعا در برابر بیمه‌گر می‌شود. در این مفهوم، نتیجه دعوی اصلی جبران خسارت که بین زیان‌دیده و مسبب حادثه آغاز می‌گردد، به عنوان دعوی پایه در تعهدات بیمه‌گر مؤثر است و دعوی تبعی پرداخت یا بازیافت زیان از بیمه‌گر را شکل خواهد داد. مفهوم اخیر مشمول دعوی ناشی از بیمه موضوع ماده ۳۶ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۱۶ نیست، زیرا ادعایی مستقیماً علیه بیمه‌گر شکل نگرفته تا متضمن مسئولیت مستقیم وی باشد و باید بین دعوی ناشی از بیمه و مفهوم خاص دعوی جبران خسارت در نظام بیمه‌ای ارتباط برقرار نمود.

قابلیت شمول ماده ۶۳ قانون بیمه سال ۱۳۱۶ بر دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر

پس از شناخت مفهوم دعوی ناشی از بیمه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا مرور زمان موضوع ماده ۳۶ قانون بیمه اختصاص به دعوی بیمه‌گذار علیه بیمه‌گر دارد یا گستره شمول آن قابل تسری به دعاوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر نیز می‌شود؟ پاسخ به این سؤال با توجه به سابقه دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر متفاوت است. چنانچه پذیرش دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر قابل قبول نباشد، استناد به مرور زمان جایگاهی ندارد و طبیعتاً چنین دعویایی بدون لزوم استناد به ایراد مرور زمان محکوم به رد است. در این صورت تصور شمول مرور زمان بر دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر خروج موضوعی از بحث دارد. این رویه اگرچه در گذشته در برخی آرای قضایی قابل ملاحظه بوده است و همچنان نیز رگه‌هایی از آن در رویه قضایی باقی است، لیکن توجیهات حقوقی، مبانی قانونی و تعدیل رویه قضایی موجب شده تا عدم پذیرش دعوی مستقیم در حقوق کنونی غیرمنطقی باشد. با این فرض، همچنان این تردید هست که منظور از دعوی ناشی از بیمه، صرفاً اختلاف بیمه‌گذار و بیمه‌گر است و زیان‌دیده که قرارداد بیمه الزاماً در برابر وی قابل استناد نیست، تکلیفی به رعایت مرور زمان ندارد. بدین توضیح که قرارداد بیمه یک رابطه خصوصی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار است که به زیان‌دیده حق عدم استناد می‌دهد و وی می‌تواند قرارداد مزبور را نادیده بگیرد و دعوی خود را متوجه مسبب حادثه نماید. در چنین صورتی اگر زیان‌دیده قصد جبران خسارت از طریق بیمه‌گر را هم داشته باشد، می‌تواند صرفاً به وظیفه تضمین بیمه‌گر در قرارداد بیمه استناد نماید و همچنان مرور زمان را در برابر خود محترم بشمارد و صرفاً به طور جزئی به قرارداد بیمه استناد نماید. در پاسخ می‌توان گفت، که اگرچه زیان‌دیده حق نادیده گرفتن قرارداد بیمه را دارد، لیکن پذیرش حق استناد جزئی به قرارداد بیمه در صورتی امکان‌پذیر است که امکان تجزیه تعهد بوده و موجب تضرر بیمه‌گر

از انقلاب توسط برخی حقوقدانان، به نظر می‌رسد که قابلیت صدور رأی بر اساس منابع و فتاوی معتبر فقهی، امکان وضع مقررات جدید در نظام تقنینی و امکان توصل به اصول کلی حقوقی، قابلیت ابطال قوانین مغایر شرع را برای شورای نگهبان ایجاد می‌کند (Fallahzade and Darvish Motavalli, 2013) و بی‌اثر تلقی کردن کلی نظریه شورای نگهبان در باب مرور زمان مورد پذیرش نیست. بر همین اساس، پذیرش اعتبار کلی قاعده مرور زمان پس از ارائه نظریه شورای نگهبان دشوار است. هر چند که در مقررات کیفری پس از انقلاب مرور زمان تعقیب کیفری اعتبار مجدد خود را به دست آورده و مقررات مفصلی به این نهاد در حقوق کیفری اختصاص داده شده است، لیکن مرور زمان دعوی مدنی در نظام حقوقی ایران همچنان جایگاه قابل قبولی ندارد. مزایای استناد به مرور زمان دعوا موجب شده تا اکثر نظام‌های حقوقی نهاد مزبور را به عنوان یک قاعده شناسایی نمایند؛ اما در حقوق فعلی ایران گام مؤثری برای تجدید اعتبار این نهاد برداشته نشده است. بررسی نظرات موافق و مخالف در زمینه بقای اعتبار مرور زمان‌های خاص، ضرورت پذیرش مرور زمان دعوی ناشی از بیمه به جهت خاص بودن موضوع آن را تقویت می‌کند، لیکن عدم رسمیت مرور زمان در دعوی مدنی به عنوان یک قاعده باعث می‌شود تا شرایط تفسیر گستره قلمروی مرور زمان در دعوی مضیق گردد. بر این اساس چنانچه وجود مرور زمان در نوع خاصی از دعوا مردد گردد، با توجه به حذف قاعده کلی مرور زمان از نظام حقوقی ایران، امکان تعمیم این نهاد به موارد مردد نیست و عدم پذیرش مرور زمان دعوی مدنی باید به عنوان اصل مورد توجه قرار گیرد.

اعتبار مرور زمان در دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر

بررسی اعتبار مرور زمان در دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر مستلزم آشنایی با مفهوم دعوی ناشی از بیمه و گستره شمول ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ نسبت به دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر است. به همین جهت در دو بخش مفهوم دعوی ناشی از بیمه و تسری آن به دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم «دعوی ناشی از بیمه»

دعوا در لغت به معنای ادعا، خواستن، نزاع، دادخواهی (Amid, 2010) و در اصطلاح حقوقی به معنای عمل حقوقی است که به موجب آن، مدعی اجرای حق مورد ادعا را از دادگاه بخواهد (Katuzian, 2021; Shams, 2019). در واقع اشخاص با طرح دعوا به دادگاه مراجعه می‌کنند و از مقام رسمی می‌خواهند که با اجرای قانون از حششان در برابر دیگری حمایت شود.

برخی معتقدند که دعوی ناشی از بیمه دعویایی است که مستند آن یک قرارداد بیمه است؛ خواه قرارداد بین طرفین دعوا تنظیم شده باشد و خواه بین یکی از آنان با شخص دیگری که نسبت به دعوا ثالث است (Malaeke pour Shooshtari and Bani Rashid, 2015). در ظاهر امر دعوی ناشی از بیمه با دعوی جبران خسارت در نظام

مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد، توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی جبران می‌شود که چون دعوای علیه صندوق، دعوای ناشی از بیمه تلقی نمی‌شود، منحصر به مرور زمان دوساله نیست. چنانچه دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر با محدودیت دو ساله همراه باشد، در حالی که همین دعوا علیه صندوق منحصر به زمان خاصی نباشد، زیان‌دیده با تبعیضی ناروا همراه می‌شود که به جهت تفاوت منبع تضمین‌کننده خسارت است. عواقب چنین تبعیضی، باعث استقبال زیان‌دیدگان در مطالبه خسارت از صندوق به جای بیمه است که تضعیف فرهنگ بیمه‌پذیری در جامعه را به دنبال دارد.

از سوی دیگر، عوارض ناشی از تضادفات رانندگی در پاره‌ای موارد به حدی است که تا مدت‌ها زیان‌دیده قادر به طرح شکایت نیست و تألمات جسمی و روحی اجازه اقدام مطالبه خسارت در مدت کوتاه دو ساله نمی‌دهد. در برخی موارد نیز زیان‌دیده از وجود قرارداد بیمه مطلع نیست و رعایت مرور زمان دو ساله برای عدم استماع دعوا، موجب تضییع حق زیان‌دیده می‌شود. همچنین بسیاری از ضرها در جهان صنعتی کنونی چنان در پس پرده می‌ماند که زیان‌دیده پس از مدت‌ها به وجود آن واقف می‌شود. عدم پذیرش دعوای جبران در این موارد ممکن است به نابودی اقتصادی زیان‌دیده یا خانواده وی بینجامد. بنابراین صرف‌نظر نمودن از مرور زمان دوساله دعوای جبران خسارت زیان‌دیده علیه بیمه‌گر در حوزه حوادث ترافیکی نتایج منطقی و معقولی دارد.

مبانی حقوقی عدم پذیرش مرور زمان

جایگاه غیرمنطقی مرور زمان دو ساله دعوا برای رجوع زیان‌دیده به بیمه‌گر در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ باعث شده تا برخی حقوقدانان یکی از راه‌های فرار از بی‌عدالتی در عرصه جبران خسارت زیان‌دیده در حوزه حوادث ترافیکی را عدم جریان مرور زمان بیمه‌ای در دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر اعلام نمایند و سخن از اختصاص مرور زمان به دعوای بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر باشد. بدین صورت که بیمه‌گذار مسئولیت مدنی خود را نزد بیمه‌گر بیمه می‌کند و مادامی که امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی علیه بیمه‌گذار وجود دارد، گویی دین مسئولیت مدنی از نو متولد می‌شود و تا زمانی که بیمه‌گذار مسئول و امکان اقامه دعوا علیه وی میسر است، می‌توان دعوا را علیه بیمه‌گر نیز اقامه کرد (Katuzian and Izanloo, 2018). در تأیید این نظر می‌توان گفت، اصل جبران خسارت در حقوق بیمه اگرچه متأثر از اصل جبران خسارت در مسئولیت مدنی است، لیکن باید توجه داشت که قلمروی خسارت در حقوق بیمه فراتر از حقوق مسئولیت مدنی است (Amiran Bakhshayesh and Bariklo, 2015). بنابراین مقید کردن بازه زمانی پرداخت خسارت در حقوق بیمه علی‌رغم عدم تقیید در حقوق مسئولیت مدنی، اصل کمال جبران

نشود (Robati et al., 2020). با توجه به اینکه مستثنا نمودن مرور زمان از قرارداد موجب خلل در حقوق بیمه‌گر است، حق عدم قابلیت استناد جزئی بیمه‌گر قابل قبول نیست. بر این اساس، رجوع مستقیم زیان‌دیده به بیمه‌گر و استناد به قرارداد ایجاب می‌نماید تا مطالبه خسارت در فرصت معقول و قانونی به عمل آید و اطلاق ماده ۳۶ قانون بیمه در استفاده از عبارت «دعوای ناشی از بیمه» و مفهومی که از دعوای ناشی از بیمه در قسمت قبل ارائه شد، قابلیت تسری نهاد مرور زمان نسبت به دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر را تقویت می‌نماید.

نتایج و بحث

توجیه نادیده گرفتن مرور زمان در حوادث ترافیکی

علی‌رغم اینکه گستره شمول مرور زمان موضوع ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ به دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر قابل تسری است، لیکن مبانی منطقی، حقوق و قانونی ضرورت عدم پذیرش مرور زمان دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر در حوزه حوادث ترافیکی را ایجاب می‌نماید که در سه بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ضرورت منطقی و عملی حذف مرور زمان

اهمیت برخی حوادث غیر عمدی در گذر زمان ایجاب نموده تا مقنن برای گذر از عواقب ناشی‌است اجتماعی، احکام جدیدی به حوزه تقنینی بیفزاید. اهمیت اجتماعی آسیب‌های غیرعمدی در حوزه تضادفات رانندگی نیازی به اثبات ندارد و مقنن را به راحتی قانع نموده تا نظام حمایتی ویژه‌ای از زیان‌دیدگان حوادث این حوزه برقرار نماید. در این راستا، بسیاری از محدودیت‌های قراردادی با هدف تضمین بهتر حق زیان‌دیده حذف شده تا شرایط جبران به نحو مطلوب‌تری محقق گردد. درست است که نهاد مرور زمان با مبانی همچون نظم عمومی و اماره اعراض از پیگیری حق (Sharifi, 1999) به کارایی اقتصادی نظام حقوقی کمک می‌کند، لیکن مرور زمان‌های کوتاه به بهانه کارایی، تشویش و اضطراب ایجاد می‌کند و در نتیجه خود باعث کاهش کارایی می‌شود (Noori and Akhondi, 2014). پذیرش مرور زمان دو ساله با اندیشه حمایت از زیان‌دیده و تضمین همه‌جانبه خسارات وی، همخوانی ندارد. به همین دلیل برخی معتقدند که اعمال مرور زمان دو ساله در حق ثالث زیان‌دیده، غیرعادلانه و مخالف اندیشه حمایت از زیان‌دیدگان در بیمه‌های مسئولیت اجباری است (Katuzian and Izanloo, 2018) و با در نظر گرفتن محدودیت دو ساله بسیاری از ضرها بدون پوشش می‌ماند.

تصور وجود مرور زمان در دعوای مسئولیت مدنی موضوع قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، باعث تبعیض شرایط بین زیان‌دیدگان حوزه حوادث ترافیکی در برخی فروض می‌شود. بدین توضیح که خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه

در حقوق بیمه را نقض می‌کند.

همچنین بیمه شخص ثالث اگرچه چارچوبی قراردادی دارد، لیکن آمیخته با الزامات قانونی فراوان است. تغییر هدف بیمه مسئولیت از کارکرد «جبران به جانشینی از بیمه‌گذار» به «بزاری برای آسان کردن کردن جبران خسارت زیان‌دیده» (Amiran Bakhshayesh and Bariklo, 2015)، ماهیت صرفاً قراردادی بیمه مسئولیت در قوانین بیمه اجباری را تغییر داده و تعهدات بیمه‌گر را به چارچوبی قانونی و قرارداد پیوند زده است (Rahimi and Mohebbi Anjedani, 2021). مرور زمان مندرج در ماده ۳۶ قانون بیمه ۱۳۱۶ با در نظر گرفتن موضوع همین قانون قابل تفسیر است و دعاوی ناشی از بیمه با توجه به تعریفی که از عقد بیمه در ماده ۱ همین قانون صورت گرفته، منحصر به دعاوی مربوط به آن دسته از قراردادهای بیمه است که اراده در تکوین و ایجاد آثار آن نقش آزاد دارد و الزامات قانونی غلبه نموده است. در صورتی که چهره قانونی جبران خسارت توسط بیمه‌گر بر چهره قراردادی غلبه نماید، محرومیت زیان‌دیده از اقامه دعوا علیه بیمه‌گر، مخالف الزامات و امتیازات قانونی زیان‌دیدگان است و هدف تضمین بدون قید و شرط جبران خسارتی که در ماده ۱۴ و ۱۵ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ بیان گردیده را نقض می‌نماید. به عنوان مثال، بر اساس ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، در صورت اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضایی، بیمه‌گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان‌دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به قائم مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی برای باز یافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند. این در حالی است که از منظر حقوقی بطلان قرارداد بیمه حوادث عمدی مورد پذیرش همگان است (Babaei, 2020; Ghafari and Zamani, 2018; Mahmood Salehi, 2002) و پذیرش تعهد بیمه‌گر بر مبنای قرارداد باطل پذیرفته نیست. بنابراین لزوم جبران خسارت بیمه‌گر در چنین فرضی فراتر از قرارداد است و منبع ایجاد کننده تعهد را باید قانون تلقی نمود. به نظر می‌رسد که با توجه به تردید تسری نهاد مرور زمان دعوا به قراردادهای موضوع قانون بیمه اجباری شخص ثالث که دارای منبع تلفیقی هستند، می‌توان گفت که با توجه به نسخ قاعده مرور زمان از نظام حقوقی ایران، محدودیت زمانی برای طرح دعوا استثناست و در صورتی که در گستره شمول نهاد مرور زمان برای نوع خاصی از دعوا تردید شود، باید به موضع یقین اکتفا نمود و موارد مردد را معاف از مرور زمان دعوا دانست. بر این اساس، رجوع مستقیم زیان‌دیده به بیمه‌گر که با مبنای حق مستقل و قانونی برقرار شده است (Khodabakhshi, 2021; Vincenca Padovan, 2003; Olfat and Zakerian, 2015)، متأثر از مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه نخواهد بود و تعهد بیمه‌گر به عنوان تضمینی قانونی، منحصر به رعایت زمان دو ساله برای طرح دعوا نیست.

از سوی دیگر، ماهیت خاص بیمه اجباری در حوزه حوادث ترافیکی ایجاد نموده است تا بسیاری از شروط قراردادی که متضمن مسئولیت کمتر بیمه‌گر نسبت به بیمه‌گذار یا زیان‌دیده باشد، باطل تلقی شود. بر اساس ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری: «درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان‌دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه‌نامه نمی‌شود. همچنین اخذ هرگونه رضایت‌نامه از زیان‌دیده توسط بیمه‌گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایت‌نامه‌ای بلااثر است.» این مقرر که چهره حمایتی و تضمینی حداکثری از زیان‌دیده را منعکس می‌نماید، حکمی ویژه حوزه تصادفات است که در سایر قراردادهای بیمه جایگاهی ندارد. یکی از شروطی که متضمن مزیت کمتر برای زیان‌دیده است، ایجاد محدودیت زمانی اقامه دعوا توسط ذی‌نفع قرارداد بیمه است، زیرا مرور زمان در دعاوی بیمه‌ای به بیمه‌گر اجازه می‌دهد که اعتبار قرارداد بیمه را بر اساس ارائه نادرست درخواست به چالش بکشد یا ادعا را به خاطر شرایط از پیش موجود، نادیده گیرد (Insurance Information Institute, 2010). بلااثر تلقی کردن توافق طرفین عقد که نقشی اساسی در تکوین قرارداد بیمه دارند، اگرچه برای حمایت از زیان‌دیده اقدامی مفید است، لیکن تصور محدودیت دو ساله‌ای که توسط خود قانون‌گذار برای جبران خسارت زیان‌دیده وضع شده باشد، نقض غرض است و رفتار حمایتی مقنن را متزلزل می‌نماید. به همین جهت شایسته است که در کنار حذف مرور زمان قراردادی، مرور زمان قانونی این عرصه نیز منسوخ تلقی گردد.

تحولات قانون گذاری و سکوت مقررات جدید

توجیهات منطقی و حقوقی زمانی استحکام نتیجه‌گیری را به دنبال دارند که در کنار مبنای قانونی قرار گیرند. دست‌یابی به مبنای قانونی یک مسئله مستلزم واکاوی مقررات ملی است، لیکن نگاهی به قوانین کشورهای دیگر و بهره‌گیری از قواعد نظام‌های حقوقی در استنباط نتیجه بی‌تأثیر نیست. در قوانین کشورهای مختلف برای مرور زمان دعاوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر در حوزه حوادث ترافیکی، تفاوت‌های فراوانی وجود دارد که به مدت مرور زمان در این حوزه، شروع مهلت مرور زمان و تعلیق یا توقف مرور زمان مربوط می‌شود (Salm, 2016). به عنوان مثال، در تبعیت مرور زمان طرح دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر از مرور زمان دعاوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گذار مسبب حادثه، همواره مهلت یکسانی برای طرح دعوا در نظر گرفته نشده است و در برخی کشورها مانند فرانسه، اسپانیا، آلمان، انگلیس، کرواسی و مجارستان، صربستان، استرالیا و در بسیاری از ایالت‌های آمریکا مرور زمان دعاوی زیان‌دیده علیه مرتکب و بیمه‌گر وی تفاوتی ندارد، لیکن برخی کشورها مانند لوکزامبورگ و هلند مدت کمتری برای مرور زمان دعاوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر مقرر نموده‌اند

جبران خسارت اعم از شرایط زمانی و مکانی، قانونی و قراردادی، صرفاً بر اساس قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ است و تمسک بیمه‌گر به محدودیت‌های قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ قابل قبول نیست و نمی‌تواند قیدی برای مطالبه حق زیان‌دیده ایجاد کند. به عنوان مثال، بر مبنای ماده ۱۹ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ بیمه‌گر نمی‌تواند صرفاً خسارت بدنی را محدود به مبلغ بیمه شده بپردازد و لازم است تا مطابق ماده ۱۳ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ از عهده جبران کامل برآید و سپس برای بازیافت به صندوق رجوع کند. بنابراین همان‌طور که بیمه‌گر نمی‌تواند به استناد محدودیت قراردادی خود بر اساس قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ از جبران خسارت کامل زیان‌دیده امتناع نماید، برای معافیت از مسئولیت حق استناد به ماده ۳۶ قانون مزبور را نیز نخواهد داشت. از جمله مواد دیگری که به موضوع الزام جبران توسط بیمه‌گر اشاره شده است، تبصره ۲ ماده ۸ و ماده ۹ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ است. در هر سه مقرره یاد شده، بیمه‌گر مخاطب حکم قرار گرفته و مقنن با بیان عبارت «بیمه‌گر ملزم به جبران مطابق مقررات این قانون است»، موجه نبودن ایرادات خارج از چارچوب قانون بیمه اجباری را در نظر داشته است؛ به عبارت دیگر، تأکید مکرر مقنن به ضرورت جبران بر اساس شرایط قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ بدین منظور است که شرایط تضمینی و حمایتی از زیان‌دیده به طور کامل رعایت گردد و محدودیت‌ها و موانعی که در سایر قوانین برای معافیت مسئولیت بیمه‌گر شناسایی شده، مورد استناد نباشد.

برخی نیز از عدم صراحت قانون‌گذار در بیان قاعده مرور زمان طرح دعوا در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ نتیجه گرفته‌اند که چنین سکوتی را باید حمل بر اراده مقنن به حذف قاعده مرور زمان کرد (Jafarzadeh and Farazmehr, 2020). بدین توضیح که ماده ۳۶ قانون بیمه سال ۱۳۱۶ با لحنی متفاوت در ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷ نیز بیان شده بود، اما بعد از وضع قوانین بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷ و مصوب ۱۳۹۵، عامدانه سخنی از مرور زمان به میان نیامده است. این سکوت متضمن اراده مقنن در عدم تمسک به نهاد مرور زمان دعوا است؛ در غیر این صورت، نهاد قانون‌گذاری جایگزین مناسبی برای آن مطرح می‌نمود. همچنین بیان عبارت «کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌گردد» در ماده ۳۰ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷، دلالت بر این دارد که هر گونه شرطی که در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷ بیان نگردیده با نسخ صریح همراه شده است که از جمله این شرایط می‌توان به حکم ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷ اشاره کرد. سکوت عامدانه مقنن در قوانین بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷ و ۱۳۹۵ در ارتباط با مرور زمان، قرینه‌ای جدی بر عدم پذیرش نهاد مرور زمان در حوادث موضوع این قوانین است که تخصیص عمومیت ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ را به دنبال دارد. در مقام جمع‌بندی، باید گفت که نگرش مقنن به عدم پذیرش مرور زمان در دعوی زیان‌دیده حادثه ترافیکی علیه بیمه‌گر با متن و روح قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ عجین شده است و مبانی

(Jovic, 2018; Salm, 2016). همچنین آگاهی زیان‌دیده در برخی کشورها بر مدت مرور زمان مؤثر است و می‌تواند تغییردهنده مبدأ مرور زمان باشد. به عنوان مثال در قانون بلژیک اگرچه مرور زمان دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر پنج سال از زمان وقوع فعل زیان‌بار اعلام شده است (IBA Insurance Committee, 2012)، لیکن چنانچه زیان‌دیده ثابت کند که پس از مبدأ فوق از حق خود در برابر بیمه‌گر آگاهی یافته، مرور زمان پنج ساله از تاریخ علم او به وجود حق شروع می‌شود (Katuzian and Iznaloo, 2018). بررسی مقررات برخی نظام‌های حقوقی ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که پذیرش تفاوت در محدودیت زمانی طرح دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گذار مسبب حادثه و بیمه‌گری از استقبال کمتری برخوردار است و استفاده از مرور زمان یکسان در هر دو دعوا برای تسهیل شرایط زیان‌دیده و یکسان‌سازی قواعد مطالبه حق مناسب‌تر است. تصور تسری این قاعده به حقوق ایران نیز عدم قابلیت اعمال مرور زمان در دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر را به دنبال دارد؛ زیرا دعوی زیان‌دیده علیه مسبب حادثه به جهت نسخ قاعده مرور زمان منحصر به مدت مشخصی نیست، بنابراین اقامه دعوا علیه بیمه‌گر در حوزه حوادث ترافیکی نیز با حصری همراه نخواهد بود. با این حال، بررسی مقررات قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ کمک شایانی به شناسایی جهات عدم پذیرش قاعده مرور زمان می‌نماید که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از مبانی قانونی که امکان استنباط عدم شمول نهاد مرور زمان در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ را فراهم می‌سازد، تبصره ۲ ماده ۲ این قانون است. بر اساس این ماده: «مسئولیت دارنده وسیله نقلیه در تحصیل بیمه‌نامه موضوع این قانون مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی‌باشد. در هر حال خسارت وارد شده از محل بیمه‌نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می‌گردد». پرداخت خسارت از محل بیمه‌نامه وسیله نقلیه منطبق با شرایطی است که در عقد بیمه لحاظ شده است و بیمه‌نامه‌های مسئولیت در قانون بیمه اجباری منحصر به زمان خاصی نیستند و همان‌طور که در بخش سابق گذشت، درج مرور زمان قراردادی برای طرح دعوا بلااثر است. لذا به جهت اینکه بیمه‌نامه تنظیمی فاقد شرط محدود کننده زمان اقامه دعوا است، نمی‌توان مرور زمان دیگری برای جبران خسارت در نظر گرفت و عملاً نیز چنین شرطی در سند کتبی بیمه قابل ملاحظه نیست. همچنین عموم عبارت «در هر حال» گسترش‌دهنده بازه زمانی طرح دعواست و اعم از اینکه از زمان حادثه بیش از دو سال سپری شده یا خیر، تکلیف به جبران خسارت باقی است. پذیرش دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر پس از دوسال از وقوع حادثه در برخی آرای قضایی نیز قابل ملاحظه است.

مضاف بر آن، ماده ۴ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ بیان می‌دارد: «در صورتی که وسیله نقلیه مسبب حادثه، دارای بیمه‌نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت‌های وارد شده در حدود مقررات این قانون بر عهده بیمه‌گر است». بر اساس این ماده، شرایط

جهت پیشنهاد می‌شود، همان طور که مرور زمان همچنان در برخی جهات خاص معتبر است، شرایط احیای قاعده مرور زمان فراهم گردد و همان طور که در بسیاری از نظام‌های حقوقی تفکیک بین مرور زمان دعوا علیه مسبب حادثه و بیمه‌گر مرسوم نیست، چنین قاعده‌ای با در نظر گرفتن شرایط دعوی بیمه‌ای در حوزه حوادث ترافیکی و با وضع استثنائات جهت شمول موارد خاص استنتاج گردد.

مشارکت نویسندگان

نگارش اولیه و جمع‌آوری داده‌ها توسط نویسنده اول انجام گرفته است و اصلاح و جمع‌بندی آن توسط نویسنده دوم بوده است.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر مستخرج از رساله مقطع دکتری حمید افکار با عنوان «بررسی استقلال و ارتباط دعوی مدنی و جزایی جبران خسارت در نظام بیمه‌ای» ارائه شده در دانشگاه فردوسی مشهد و با راهنمایی دکتر عبدالله خدابخشی می‌باشد و از راهنمایی ایشان تشکر ویژه می‌نمایم.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوءرفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر توسط نویسندگان رعایت شده است.

دسترسی آزاد

کپی‌رایت نویسنده(ها) ©2022: این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 اجازه استفاده، اشتراک‌گذاری، اقتباس، توزیع و تکثیر را در هر رسانه یا قالبی مشروط به درج نحوه دقیق دسترسی به مجوز CC منوط به ذکر تغییرات احتمالی بر روی مقاله می‌باشد. لذا به استناد مجوز مذکور، درج هر گونه تغییرات در تصاویر، منابع و ارجاعات یا سایر مطالب از اشخاص ثالث در این مقاله باید در این مجوز گنجانده شود، مگر اینکه در راستای اعتبار مقاله به اشکال دیگری مشخص شده باشد. در صورت عدم درج مطالب مذکور و یا استفاده فراتر از مجوز فوق، نویسنده ملزم به دریافت مجوز حق نسخه‌برداری از شخص ثالث می‌باشد.

به منظور مشاهده مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 به آدرس زیر مراجعه گردد:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

یادداشت ناشر

ناشر نشریه پژوهشنامه بیمه با توجه به مرزهای حقوقی در نقشه‌های منتشر شده بی‌طرف باقی می‌ماند

قانونی نسخ مرور زمان دعوا در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ در جهاتی فراتر از سکوت مقنن تجلی یافته است. اگرچه سکوت عمدی مقنن خود بیان‌کننده اراده وی به عدم تمایل در ادامه رویه سابق است، لیکن الزام مقنن در مواد متعدد به لزوم جبران خسارت در چارچوب قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ و عدم امکان تعدی از آن، به روشنی بیان‌کننده تفکر مقنن به عدم حمایت از مرور زمان دعوا در عرصه حوادث ترافیکی است.

جمع‌بندی و پیشنهادها

انتظام‌بخشی دعوی حقوقی در پرتوی مرور زمان نقش مهمی در تعدیل پرونده‌های نظام حقوقی دارد. نظام‌مندی زمان مطالبه حق در بسیاری از جوامع حقوقی عنصری تعیین‌کننده در مسیر دستیابی به حق است. نهاد مرور زمان در نظام حقوقی ایران به تأثی از نظر مشهور فقهای امامیه و در پرتوی نظریه شورای نگهبان چهره قاعده بودن خود را از دست داده است؛ لیکن حذف کلی آن از نظام حقوقی همچنان باورپذیر نیست. یکی از حوزه‌های معتبر در زمینه مرور زمان دعوا، دعوی ناشی از بیمه است که مبنای سامان‌دهی منابع بیمه‌ای، ضرورت بقای مرور زمان این حوزه را ایجاب نموده است؛ لیکن وجود مرور زمان در بخش خاصی از دعوی بیمه که مربوط به حوزه تصادفات است، به جهت رویکرد حمایتی و ویژه‌ی قانونگذار با تردید همراه شده است. شمول گسترده مرور زمان ماده ۳۶ قانون بیمه سال ۱۳۱۶ به این بخش، اگرچه به جهت شمول عنوان دعوی ناشی از بیمه ممکن است؛ لیکن مبنای ویژه نظام جبران خسارت در عرصه حوادث ترافیکی، عدم پذیرش مرور زمان در این عرصه را با قوت بیشتری همراه می‌کند. عدم ظهور تمام ابعاد خسارت حوادث رانندگی ظرف دو سال از وقوع حادثه و آشفتگی حاصل از ضرورت طرح دعوا در مدتی کوتاه، زبان‌دیده را از دسترسی به برخی خسارات محروم می‌کند. همچنین رویکرد تضمینی جبران خسارت در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، ضرورت حمایت بیشتر از زبان‌دیده را در دعوی مسئولیت مدنی این عرصه می‌طلبد. مقید کردن مطالبه حق به مدت زمان کوتاه، خلاف اندیشه حمایتی مقنن است و جایگاه دعوی بیمه را نسبت به دعوی مسئولیت مدنی کاهش می‌دهد. تعدد و تکرار حکم وظیفه بیمه‌گر به جبران بر اساس مقررات قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، زمینه استناد بیمه‌گر به شرایط محدودکننده مسئولیت از جمله مرور زمان را سلب کرده است. در کنار هم قرار گرفتن مبنای منطقی، حقوقی و قانونی اگرچه در حال حاضر ضرورت عدم پذیرش مرور زمان کوتاه دو ساله در دعوی زبان‌دیده علیه بیمه‌گر بر اساس قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ را توجیه می‌کند، لیکن باید دانست که اطلاق این نظر به جهت وضعیت خاص نظام حقوقی ایران در حذف قاعده مرور زمان است. با توجه به ارزشمندی نهاد مرور زمان در کاهش و نظام‌مندی دعوی، احیای قاعده مرور زمان دعوی مدنی ضروری است و پس از تحقق این مهم، باید زمینه برقراری مرور زمان در دعوی بیمه را مجدداً سنجد. به همین

منابع

- Allame, H., (1992). Various Shia in the provisions of Shariat. Fifth volume. Qom: Islamic publications office. (In Arabic)
- Amid, H., (2010). Amid's Persian culture. Tehran: Rahe Roshd. (In Persian)
- Amiran Bakhshayesh, I.; Bariklo, A., (2015). The Principle of Indemnity in Insurance Law. *Majlis and Rahbord*, 21(80): 169-193 (24 pages). (In Persian)
- Babaei, I., (2020). Insurance Law. Tehran: Samt. (In Persian)
- Eskini, R., (2017). Commercial Law (bill of exchange, promissory note, warrant, bearer bonds and cheque). Tehran: Samt. (In Persian)
- Fallahzadeh, A.M.; Darvish Motavalli, M., (2013). Guardian council supervision on the laws enacted before the revolution and by the revolutionary council. *Knowl. Q.J. Public Law. Knowl.*, 2(5): 103-122 (19 pages). (In Persian)
- Ganji Shafeei, M.b.Y., (1983). The collection of political documents of the prophetic era and the Rashede Caliphate. Qom: Dare Ehya Toras Ahl Al-Beyt. (In Arabic)
- Ghabooli Dor Afshan, S.M.M.; Mohseni, S., (2012). The general theory of nullity in contracts (a comparative study in the legal system of Iran and France). Tehran: Jangal Publication. (In Persian)
- Ghafari, H.; Zamani, M., (2018). Civil liability insurance for mass media. *Cult. Stud. Commun.*, 14(50): 162-196 (34 pages). (In Persian)
- Hashemi, S.M., (2021). The fundamental law of the Islamic Republic of Iran. second volume. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Hatami, A.A.; Zakeri, M.V., (2018). Revalidation of the passage of time in the legal system of the Islamic Republic of Iran. *J. Fac. Law Political Sci.*, 48(0): 47-70 (23 pages). (In Persian)
- IBA Insurance Committee., (2012). Direct third-party access to liability insurance. International bar association.
- Ibn Abi Al-Hadid., (No-date). Explanation of Nahj al-Balagheh. First volume. Qom: The Library of Grand Ayatollah Marashi Najafi. (In Arabic)
- Insurance Information Institute., (2010). Insurance handbook: A guide to insurance: what it does and how it works. New York: Vice President, Information services and Madine Singer Publications.
- Iravani, B., (2006). Introductory lessons in deductive jurisprudence on the Jaafari. Third volume. Qom: Feqh Institute for printing and publishing. (In Arabic)
- Jafarzadeh, S.; Farazmeh, J., (2020). Validation the rule of lapse of time on insurance of vehicles (with a jurisprudential analysis). *Insur. Res. Paper*, 35(2): 167-195 (28 pages). (In Persian)
- Jovic, A., (2018). Ten things every insurer should know. Submitted by CMS law. Tax. Future.
- Katuzian, N.; Izanloo, M., (2018). Non-contractual obligations (civil liability). Third volume. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Katuzian, N., (2021). Proof and reason of proof (general rules of proof, confession and document), first volume. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Katuzian, N., (2004). The logical principles governing the interpretation of the Constitution. *Constitutional law*, 1(66): 329-339 (11 pages). (In Persian)
- Khodabakhshi, A., (2021). Insurance rights and civil liability. Tehran: Enteshar Publication. (In Persian)
- Mahmood Salehi, J.A., (2002). Insurance rights. Tehran: Central Insurance of Iran, Insurance Research Center. (In Persian)
- Malaek pour Shoostari, S.M.H.; Bani Rashid, N., (2015). Analysis of article 36 of the insurance law approved in 1316. *Insur. Res.*, 30(118): 189-220 (31 pages). (In Persian)
- Mohaghegh Damad, S.M., (2006). Family law. Tehran: Islamic Sciences Publications. (In Persian)
- Noori, J.; Akhondi A.R., (2014). Economic analysis of law on Limitation (Lapse of Time). *Private law Res.*, 2(5): 35-59 (25 pages). (In Persian)
- Olfat, N.; Zakerian, A., (2015). A comparative study of the possibility of claiming the debt from an indebted's credit. *J. Comp law*, 2(1): 95-116 (22 pages). (In Persian)
- Khairollah, P.; Afkarsarand, H.; Darvish Motavalli, M., (2012). Government of article 4 of the constitution law on the general and the application of other principles, laws and regulations. *Islamic Gov.*, 17(4): 109-132 (24 pages). (In Persian)
- Rahimi, S.A.A.; Mohebbi Anjedani, D., (2021). The basis of owner's and insurer's obligation in 2016 compulsory insurance to losses to third-party. *Insur. Res.*, 36(1): 121-146 (26 pages). (In Persian)
- Rajabi, A.; Mahdavi poor, A.; Eshaghi, M., (2018). A Comparative Study of Lapse of Time in Fiqh, and Iran's Penal Code with an Approach based on Imam Khomeini's Views. *Matin Res. Pap.*, 20(79): 47-69 (23 pages). (In Persian)
- Robati, M.; Ghaboli Dor Afshan, S.M.M.; Mohseni, S., (2020). General rules of Inopposability in commercial law. *Comp. law stud.*, 11(1): 99-121 (23 pages). (In Persian)
- Salm, Ch., (2016). Limitation periods for road traffic accidents. European Parliamentary Research Service (EPRS).
- Shahid Sani., (1998). Paths of understanding to the revision of the terms of Islam. Qom: Islamic Maaref Institute. (In Arabic)
- Shams, A., (2019). Advanced course civil procedure. first volume. Tehran: Derak. (In Persian)
- Sharifi, M., (1999). The lapse of time in jurisprudence and Islamic law. *Legal Justice J.*, 9(28-29): 253-258 (6 pages). (In Persian)
- Vincenca Padovan, A., (2003). "Direct action of a third party against the insurer in marine insurance with a special focus on the developments in Croatian law". *Comparative maritime law*. 42(157), 35-83 (48 pages).

AUTHOR(S) BIOSKETCHES

معرفی نویسندگان

حمید افکار، دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

- Email: hamidafkar@mail.um.ac.ir
- ORCID: 0000-0003-0369-3896
- Homepage: <http://hamidafkar.student.um.ac.ir>

عبدالله خدابخش، استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

- Email: dr_khodabakhshi@um.ac.ir
- ORCID: 0000-0003-2634-9414
- Homepage: http://prof.um.ac.ir/dr_khodabakhshi

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Afkar, H.; Khodabakhshi, A. (2022). *The basis of non-acceptance of the statute of limitations of the injured party's claim against the insurer in the compulsory insurance law approved in 2016*. *Iran J. Insur. Res.*, 11(4): 277-286.

DOI: 10.22056/ijir.2022.04.02

URL: https://ijir.irc.ac.ir/article_155300.html?lang=en

